

من خواسته شده، پخش کنم؛ اما تمایلی به این کار نداشتم و ترجیح می‌دادم این کار را برای تلویزیون انجام دهم تا مردم کوچه و بازار و ساکنان بسیاری از روستاهایی که دسترسی به رسانه‌های دیگر ندارند، بتوانند آن را ببینند.

○ می‌خواهم کمی تخصصی‌تر به این موضوع بپردازیم. «ایران‌گرد» واقعاً یکی از مستندهای برند تلویزیون بود؛ با بررسی حوزه مستندسازی، به نظر شما تلویزیون در تولید مستند چه ضعفی دارد؟ ما معمولاً می‌بینیم که

تلویزیون متناسب با فضا و مناسبت‌ها، مستندهایی درباره وقایع تاریخی پخش می‌کند؛ اما مستندی با محوریت جغرافیا، فرهنگ، هویت و ایران‌شناسی که هم برای مخاطبان سن بالاتر جذاب باشد و هم برای نسل زد، وجود نداشته است. نظر شما چیست؟

نه تنها جزو برندهای شاخص، بلکه بنا به آنچه به من گفته شده، جزو چهار یا پنج برنامه پرمخاطب کل سازمان صدا و سیما از نظر میزان بیننده بوده است. بله، دقیقاً همین‌طور است. «ایران‌گرد» تنها مستندی درباره تاریخ نبود، بلکه ترکیبی از جغرافیا، فرهنگ، هویت ملی و ایران‌شناسی را در خود داشت؛ ترکیبی که پیش از آن در تلویزیون به این شکل وجود نداشت. این برنامه تلاش می‌کرد هم برای مخاطبان سن بالاتر جذاب باشد و هم برای نسل زد. جالب اینجاست که مخاطبان «ایران‌گرد» تنها به نسل زد و مخاطبان میان‌سال و کهن‌سال محدود نمی‌شدند، بلکه بسیاری از کودکان و نوجوانان نیز این برنامه را دنبال می‌کردند. مادران و پدران بسیاری برای من فیلم و عکس می‌فرستادند و می‌نوشتند که فرزندشان از ابتدا تا دقیقه پایانی برنامه، با تمام تمرکز نشسته و مستند را تماشا می‌کند. این موضوع برای من بسیار جذاب و دلگرم‌کننده بود و نشان می‌داد این نوع محتوا می‌تواند طیف گسترده‌ای از مخاطبان را با خود همراه کند.

○ به نظر شما، اکنون که چنین مستندی در دسترس نیست، صدا و سیما در حوزه مستندسازی و پخش مستند با چه معضلی روبه‌رو خواهد شد؟ این معضل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بودجه‌ای برای «ایران‌گرد» در نظر گرفته نشده، فکر می‌کنم برای بسیاری از سازندگان دیگر نیز چنین بودجه‌ای وجود ندارد. وقتی می‌گویم هیچ بودجه‌ای برای ساخت این مجموعه در اختیار نداریم، طبیعتاً این محدودیت مختص «ایران‌گرد» نیست و احتمالاً دامنه گسترده‌تری دارد. در نتیجه، در حوزه ایران‌گردی، ایران‌شناسی، هویت ملی و معرفی جاذبه‌های کشورمان، قطعاً یک خلأ بزرگ در تلویزیون شکل خواهد گرفت که جبران آن به این سادگی ممکن نیست.

○ اگر بخواهید عملکرد تلویزیون را از منظر محتوا و ارتباط با مخاطب ارزیابی کنید، مهم‌ترین نقد شما چیست؟

در شرایط کنونی، بیشتر شبکه‌های تلویزیونی باید برنامه‌هایی جذاب و امیدبخش تولید کنند؛ برنامه‌هایی که حال مردم را خوب کند، روحیه بدهد، امید و انگیزه ببخشد، از قدرت و توانمندی‌های ما بگوید، از دارایی‌ها و افتخارات ما سخن بگوید. اما من چنین چیزی را نمی‌بینم. آنچه بیشتر می‌بینم، گزارش‌های مرتبط با جنگ، گزارش‌های سیاسی و افرادی است که تنها سخن می‌گویند. این‌ها را می‌بینم، اما آنچه واقعاً باید ببینم و مخاطب نیز نیازمند دیدن آن است، در برنامه‌های تلویزیونی حضور ندارد. آن نوع محتوایی که باید وجود داشته باشد تا مخاطب بتواند به بیشترین شکل ممکن از تلویزیون بهره‌مند شود، بسیار کم است و حتی اگر وجود داشته باشد، حجم آن بسیار ناچیز است.

○ اگر قرار باشد «ایران‌گرد» در پلتفرم شبکه نمایش خانگی پخش شود و قرار باشد با همین روند پیش برود، ایده و طرح شما در آن فضا بازتر خواهد بود؟

بله، دقیقاً همین‌طور است. در آن فضا دست ما بازتر است و شاید برنامه شادتر و جذاب‌تر از کار دربیاید؛ چراکه دست ما در آنجا بازتر است و می‌توانیم راحت‌تر درباره محتوا صحبت کنیم و آن را به تصویر بکشیم.

○ آیا با پلتفرم خاصی برای این کار مذاکره کرده‌اید؟ آیا پیشنهادی به شما داده شده است؟

بله، پیشنهادی به من داده شده و در حال حاضر در حال بررسی و فکر کردن روی آن هستیم. اگر در نهایت به این جمع‌بندی برسیم که تلویزیون تمایل چندانی به تولید و پخش «ایران‌گرد» ندارد، قطعاً به سمت همان پیشنهاداتی خواهیم رفت که به من داده شده است.

○ در طول این سال‌ها، موقعیت‌هایی وجود داشته که «ایران‌گرد» با وقعه مواجه شده، اما شما با تلاش خودتان آن را به سازمان رساندید. با توجه به دلبستگی قلبی‌تان به این مجموعه می‌پرسم؛ به نظر شما اصلاً امکان دارد این پروژه محقق شود و ما همچنان بتوانیم آن را در تلویزیون ببینیم، یا دیگر کاملاً از این احتمال قطع امید کرده‌اید؟

نه، هنوز قطع امید نکرده‌ام. احتمال آن را پنجاه‌پنجاه می‌دانم.

○ سؤال دیگری هم دارم که البته قصد نداشتم ببرسم، اما به نظرم اکنون جای طرح آن هست؛ چراکه خودتان نیز در صحبت‌هایتان به آن اشاره کردید. مدتی پیش شایعاتی درباره بودجه‌های کلان ساخت «ایران‌گرد» مطرح شد؛ نظرتان درباره این ادعاها چیست؟

از جمله یکی از احمقانه‌ترین ادعاهایی که دیده‌ام، اظهارات فردی در اینستاگرام بود که مدعی شده بود آخرین فصل «ایران‌گرد» ۱۸۰ میلیارد تومان هزینه داشته است. خیلی دوست داشتم به او بگویم که یک صفر از این رقم را کم کند تا دقیقاً به هدف نزدیک شود. البته درست نیست که فرد قراردادهای خود را افشا کند؛ اساساً مفاد قرارداد محرمانه است و سازمان صدا و سیما نیز اجازه افشای آن را به ما نمی‌دهد. اما خیلی دوست داشتم به او بگویم که یک صفر از عدد اعلامی‌اش کم کند تا رقم درست شود؛ آن هم برای بیست و شش قسمت پنجاه دقیقه‌ای، در بازه زمانی دو سال و نیم.

○ واقعا ماجرای رقم قرارداد شما با این مجموعه از کجا شکل گرفت و اگر برایتان مقدور هست بفرمایید چه میزان از بودجه تولید به شما تعلق گرفته است؟

این رقم، دستمزد شخص من نیست؛ این مبلغ، بودجه تولید کل مجموعه مستند است.

دستمزد من در این پروژه چیزی در حدود ششصد تا هفتصد میلیون تومان در طول دو سال و نیم بوده است؛ رقمی که تقریباً معادل چهل تا پنجاه میلیون تومان در ماه می‌شود. من اگر روزی در جایی مهم و پرمخاطب قرار بگیرم که چنین ادعایی مطرح شود، خیلی دوست دارم قراردادهایم را بردارم و آنجا رو کنم و نشان دهم که من نیز مانند یک فرد عادی حقوق دریافت می‌کنم؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد دستمزد من بسیار پایین است.

○ به نظر شما چرا مستندسازان و فعالان این حوزه با وجود سال‌ها فعالیت و تولید آثار پرمخاطب، همچنان با چنین قضاوت‌ها و واکنش‌هایی مواجه می‌شوند؟

من مانند بازیگران نیستم که ده میلیارد، بیست میلیارد یا پنجاه میلیارد تومان دستمزد دریافت می‌کنند؛ دستمزد من بسیار کمتر از این ارقام است. متأسفانه مستند همیشه حوزه‌ای مهجور بوده است. اما وقتی می‌بینند فردی پای مملکت خود ایستاده، وقتی می‌بینند فردی موفق است و با عشق برای کشورش تلاش می‌کند، دوست دارند به او حمله کنند و همین‌گونه او را می‌زنند.

○ در مواجهه با ادعاهایی که درباره مسائل مالی و قراردادهای شما مطرح می‌شود، چه انتظاری از رسانه‌ها و افکار عمومی دارید؟

قطعاً انتظار دارم مردم فهیم کشورم با آگاهی، معرفت و انصاف این گونه اخبار را دنبال و پیگیری کنند و از گوینده چنین ادعاهایی بخواهند که سند و مدرک ارائه دهد؛ چرا که من نیز می‌توانم بگویم فلان بازیگر برای بازی در یک سریال یا فیلم، هزار میلیارد تومان دریافت کرده است، اما تا زمانی که مدرکی ارائه ندهم، این حرف تنها یک ادعای بی پایه است. متأسفانه چنین حرف‌های بی‌پایه‌ای زیاد مطرح می‌شود.

○ آیا فکر می‌کنید این ادعاها روزی آن قدر جدی شوند که بخواهید به صورت مستند به آنها پاسخ دهید؟

البته برای من این موضوع اهمیت چندانی ندارد و توجه زیادی به آن نمی‌کنم؛ این حرف‌ها در حد کف روی آب هستند. اما اگر روزی لازم شود، حتماً برای اینکه پاسخ چنین ادعاهایی را به درستی بدهم، تمام قراردادهایم را ارائه خواهم داد تا مشخص شود دستمزد واقعی من چقدر است؛ دستمزدی که شاید حتی یک هزارم دستمزد برخی بازیگران مطرح کشورمان هم نیست.

○ اگر بخواهید صحبت‌هایتان را با یک نکته خطاب به مخاطبان و مسئولان به پایان برسانید، چه می‌گویید؟

امیدوارم اولاً سازمان صدا و سیما و تمام شبکه‌های آن برنامه‌هایی تولید کنند که واقعاً حال مردم را خوب کند، برنامه‌هایی که مردم آن‌ها را دوست داشته باشند و بپسندند. همچنین امیدوارم مسئولان کمی هم با خود مردم مشورت کنند. البته حتماً باید در محتوا نیز دقت لازم صورت گیرد؛ محتوا باید جذاب و عمیق باشد و چیزی به هم‌وطنان و مخاطبان ما اضافه کند.

خیلی دوست دارم چنین اتفاقی رخ دهد، ما حتماً نیاز به تولید برنامه‌هایی داریم که مخاطب را پای تلویزیون بنشانند و جذب کند؛ به گونه‌ای که در خلال آن برنامه‌های جذاب و فوق‌العاده، محتوایی که باید به مخاطب برسد نیز منتقل شود؛ محتوایی که برای رشد او، برای تکامل او، برای افزایش آگاهی او، برای حال خوب و شادی او و برای امیدبخشی و انگیزه‌دادن به او باشد، تا مردم بتوانند در کشور عزیزمان ایران با انگیزه زندگی کنند و تلاش کنند. امیدوارم این محتوا نیز در خلال این برنامه‌ها به مخاطب منتقل شود.

